

گویش‌های زبان فارسی در استان فارس

گویش‌های زبان فارسی بخشی از میراث ماندگار فارسی به شمار می‌آید که در مناطق مختلف استان فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد و به رغم آنکه در گذر تاریخ دستخوش تغییرات گسترده قرار گرفته اما در برخی از مناطق این گویش‌ها همچنان کاربرد دارد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، به طور کلی می‌توان گفت آمیختگی گویش‌ها و لهجه‌ها در استان فارس موجب شده است که نوع گفتار در این استان بسیار فراوان و متنوع باشد و اگر بگوییم به ازای هر شهر یا روستای موجود در این استان، نوعی گویش و لهجه خاص وجود دارد که در برخی موارد شباهت‌ها و در پاره‌ای موارد اختلافاتی با هم دارد، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

اگر این تقسیم‌بندی را قدری کلی‌تر و بسته‌تر ببینیم باید گفت هر شهرستان استان فارس دارای نوعی گفتار خاص و گویشی از زبان فارسی است به طوری که مثلاً اصطلاحاتی که در شهرستان جهرم و روستاهای آن در جنوب فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد با واژه‌ها و اصطلاحاتی که در شهرستان کازرون و روستاهای آن در غرب فارس مورد استفاده قرار می‌گیرد، متفاوت است.

در برخی از مناطق استان فارس گویش‌های خاص آنقدر توسعه یافته و غنی شده است که به اعتقاد اهالی این مناطق باید نوع گویش آنان را زبانی دیگر نامید، این

موضوع در شهرستان لارستان در جنوب استان فارس به وضوح قابل رویت است طوری که بسیاری از صاحب نظران گویش لارستانی را زبانی مستقل از زبان فارسی می دانند که دارای دستور زبان ویژه است.

در عین حال کلمات و واژه های این نوع زبان ها که در شهرستان هایی مانند خنج و کازرون نیز در بین مردم رواج دارد بسیار شبیه به واژگان فارسی است و یک فرد فارسی زبان اگر چه نتواند به این زبان گفت و گو کند اما در مقابل فردی که به آن سخن می گوید می تواند مفاهیم کلی را دریابد.

برخی از اهالی مناطق استان فارس از جمله شهرها و روستاهایی در شهرستان های آباد، مرودشت و کازرون واژه هایی در گفتار و نوشتارهای خود به کار می برند که واژه های اصیل زبان پهلوی و زبان ایران باستان است و نیاکان ما افزون بر دو هزار و پانصد سال قبل این واژه ها را در گفت و گوهای خود به کار برده اند.

شهر سیوند در ۵۵ کیلومتری شمال شیراز که در محدوده شهرستان مرودشت قرار دارد و روستای گاوکشک و برخی دیگر از روستاها در شهرستان کازرون از جمله مناطقی است که واژه هایی از زبان ایران باستان هنوز در آن متداول است.

شیراز به عنوان مرکز استان فارس نیز دارای نوع گفتار و گویش خاص از زبان فارسی است، تنوع گویش فارسی در این شهر به حدی است که می توان گفت گویش ساکنان شرق این شهر با گویش ساکنان شمال یا غرب این کلان شهر متفاوت است.

برخی از مردم شیراز از جمله ساکنان محله‌های سعدی، پودنک، قصر دشت و گودعربان دارای مفاهیم بسیار عمیق در گویش‌های خود هستند که در عین حال که بر گرفته از زبان فارسی است اما به دلیل مخفف شدن کلمات به نوعی گویش متفاوت تبدیل شده است.

اگر بخواهیم در تقسیم بندی گویش زبان فارسی در شیراز نوعی مرز بندی رعایت کنیم باید زبان و گویش‌های فارسی در این شهر را به سه قسمت شیرازی شرقی، شیرازی مرکزی و شیرازی شمال غرب تقسیم کرد.

بر اساس مستندات تاریخی از زمان آل بویه تا دوره قاجار فقط یک گونه گویش شیرازی در این شهر وجود داشته است این گویش که اکنون به عنوان گویش اصیل شیرازی شناخته می‌شود در میان ساکنان مناطقی از مرکز و شمال غرب شیراز رواج دارد و معمولاً محلات بافت قدیم شیراز که ساکنان آن شهروندان قدیمی شیراز هستند به این نوع گویش سخن می‌گویند.

گویش‌های دیگر در شیراز به علت مهاجرت برخی از مردم از سایر مناطق به این شهر در شیراز رواج یافته است، برخی از محلات مناطق شرق شیراز اکنون به این نوع گویش صحبت می‌کنند و اگر چه واژه‌های زبان فارسی در این نوع گویش با واژه‌های زبان فارسی در گویش شیرازی مرکزی مشابه است اما تفاوت‌هایی نیز در گفتار می‌توان دید.

شهروندانی که در مناطق شرق و شمال شرق شیراز زندگی می کنند برای ادای کلمات از نوعی گویش شیرازی که غلیظ تر از گویش شیرازی مرکزی است استفاده می کنند و در تخفیف کلمات سعی می کنند کلمات را بیشتر مخفف نمایند.

علت اصلی تفاوت در گویش شیرازی به ساختار جمعیتی شیراز ، تاثیرگذاری مشاغل ، تاثیر مهاجرت ، نزدیکی به روستاهای همجوار و مسایل اینچنین باز می گردد، در گویش شیرازی عامیانه به علت اینکه ارتباط با دیگر نقاط بیشتر بوده این نوع تاثیرگذاری ها نیز بیشتر است.

برخی از واژه هایی که در زبان و گویش عامیانه شیرازی از آن استفاده می شود احمال داده می شود، مخفف شده واژه هایی از زبان لاتین است ، مثلا واژه " ببه " به معنای عزیزم شاید مخفف شده واژه ی Baby در زبان انگلیسی باشد که به معنای فرزندم و عزیزم بکار می رود.

" سی " بر وزن دی نیز در گویش شیرازی زیاد کاربرد دارد و معمولا در مناطق شرق و شمال شرق شیراز از این واژه زیاد استفاده می شود ، این واژه به معنی دیدن ، نگاه کردن ، نگاه کن ، ببین و معنایی مشابه است و احتمالا با واژه See در زبان انگلیسی مشابه است.

سعدی، حافظ و ملاصدرا که استوانه‌های ادبی و فلسفی جامعی در ادبیات و فرهنگی ایرانی به شمار می‌آیند نیز تاثیر شگرفی در زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند، در گویش شیرازی نیز هنوز می‌توان تاثیر زندگی این بزرگان را دید، "قربان وجودت" اصطلاحی است که در تمام لهجه‌های شیرازی استفاده می‌شود و می‌توان این اصطلاح را بیانگر جا افتادگی فلسفه وجودی ملاصدرا در شیراز دانست.

ویژگی اصلی و مشترک در بین همه گویش‌های شیرازی پهن ادا کردن کلمات است.

در برخی از مناطق این شهر زنها بیشتر از مردها چنین صحبت می‌کنند و کلمات را می‌کشند.

به عنوان مثال یک شهروند شیرازی که به گویش شیرازی مناطق مرکزی این شهر سخن می‌گوید برای ادای جمله پرسشی "برای چه چیزی؟" می‌گوید "بری چی چی؟" در صورتی که همین عبارت در گویش شیرازی مناطق شرق و شمال شرق شیراز "سی چی چی؟" ادا می‌شود.

در مناطق شمال غرب و غرب این شهر نیز این جمله "واسه چی؟" ادا می‌شود کلمه "ببین" نیز در گویش‌های یاد شده ببین، سی‌کو، نیگا تلفظ می‌شود.

در مجموع در مورد وضع گویش‌های موجود در استان فارس نمی‌توان یک کلیت در نظر گرفت بلکه هر گویش شرایط خاص خود را دارد، در بعضی از روستاهای استان

فارس گویش‌های خاصی هست که با وجود زبان جاری فارسی در سراسر استان فارس که همان فارسی است این گویش‌ها هنوز بر جا مانده‌اند.

البته در این مناطق نیز والدین مایلند بچه‌ها برای رفتن به مدرسه فارسی را بهتر از زبان محلی بیاموزند ضمن این که خانواده‌ها فکر می‌کنند اگر بچه‌ها دو زبان فارسی و محلی را یاد بگیرند در یادگیری زبان‌های دیگر دچار مشکل می‌شوند.

بیشتر گویش‌های محلی زبان فارسی در استان فارس دارای ادبیات شفاهی و گفتاری است کمتر برای نوشتن اعداد یا حروف از این نوع گویش استفاده می‌شود.

از جمله مواردی که استقلال گویش لارستانی به عنوان یک زبان را پررنگ تر می‌کند نیز همین موضوع است که این زبان علاوه بر اینکه در گفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد در نوشتار نیز استفاده می‌شود به طوریکه ما اکنون متون و اشعار به زبان و گویش لارستانی داریم.

مدیر بنیاد فارس شناسی بر ضرورت حفظ گویش‌های محلی زبان فارسی به عنوان بخشی از فرهنگ آیینی و سنتی استان فارس تاکید کرد و گفت: در این زمینه کتاب‌ها و مقالات ارزشمندی نوشته شده است اما برای حفظ این گویش‌ها باید پژوهش‌های کاربردی بیشتری انجام داد.

دکتر سعید زاهد به خبرنگار ایرنا گفت: بنیاد فارس شناسی در سال‌های گذشته در قالب فارس شناخت‌ها موضوعات و مطالب مفیدی درباره گویش‌های زبان فارسی گردآوری و منتشر کرده است.

وی اظهار داشت: نویسندگانی مانند صادق همایونی، امین فقیری، جمشید صداقت کیش، ابوالقاسم فقیری و دکتر موسوی که از جمله استادان دانشگاه هستند تحقیقات و پژوهش‌های مفیدی درباره گویش‌های زبان فارسی در استان فارس انجام داده‌اند. مدیر بنیاد فارس شناسی افزود: در عین حال گویش‌های زبان فارسی بسیار متنوع است و در هر کدام از مناطق آن مردم با گویش خاصی سخن می‌گویند که این گویش‌ها شباهت‌های زیادی نیز با هم دارد.

از جمله صاحب‌نظرانی که در استان فارس تحقیقات گسترده درباره واژه شناسی و تحلیل گویش‌های زبان فارسی انجام داده است دکتر جمشید صداقت کیش، استاد تاریخ دانشگاه شیراز، پژوهشگر و عضو گروه واژه‌گزینی فرهنگستان زبان فارسی است.

دکتر جمشید صداقت کیش درباره گویش‌های زبان فارسی در استان فارس و شرایط کنونی آن گفت: در استان فارس اهالی لارستان، ترک‌های قشقایی و طوایف بهارلو،

ایلانو ، نف ، منطقه بوالوردی شیراز، ایلات لر ممسنی و ساکنان اطراف این منطقه تا دشمن زیاری و سپیدان دارای گویش خاص هستند.

وی بابیان اینکه میان گویش و لهجه باید تمیز قایل شد اظهار داشت: تعریفی که فرهنگستان از گویش ارائه داده است این است که گویش باید صرف فعل و صرف ضمائر متفاوت داشته باشد از این رو بسیاری موارد بین لهجه و گویش اشتباه می شود.

این استاد دانشگاه شیراز گفت: بر اساس این تعریف حتی زبان کردی هم نوعی گویش زبان فارسی است اما بسیاری این مرزبندی را قبول ندارند و آن را نمی پذیرند.

وی گفت: تحقیقات گسترده ای درباره گویش لارستانی در استان فارس انجام شده است و کتاب هایی در این باره نگاشته شده و دو دانشمند و زبان شناس ژاپنی بر اساس تحقیقات موجود در این زمینه گویش لارستانی را بر مبنای زبان شناسی نوین تنظیم و آن را مستندسازی کرده اند.

صداقت کیش بیان کرد: تحقیقاتی نیز درباره نوع گفتار و نوشتار درآباد، مرودشت و بیضاء انجام شده و در این رابطه تز دانشگاهی نیز ارائه شده است.

عضو گروه واژه گزینی فرهنگستان زبان فارسی گفت: به هر حال گویش های زبان فارسی در استان فارس محدود شده است، این محدودیت گاه در حوزه یک شهرستان گاه در حوزه چند شهرستان و گاه حتی در حوزه یک روستا و منطقه کوچک دیده می

شود، اما واقعیت این است که هجوم رسانه‌های مختلف، شبکه‌های تلویزیونی، اینترنت و مسایل دیگر موجب شده است که گویش‌های محلی در معرض آسیب قرار گیرد.

استاد دانشگاه شیراز گفت: این موضوع خاص استان فارس نیست و در همه جای کشور در حال وقوع است به عنوان مثال بسیاری از کودکان اکنون در روستاهای مازندران، مازنی حرف نمی‌زنند در حالی که ۲۰ سال قبل زبان اصلی روستاهای این مناطق مازنی بود.

وی افزود: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی تحقیقات گسترده‌ای درباره گویش‌های زبان انجام داده است، در این مرکز بیش از ۱۰۰ تک‌نگاری از روستاهای کشور انجام شده و زبان شناسان بزرگ بر روی آن تحقیقات گسترده انجام می‌دهند اما در عین حال همچنان نباید هجوم رسانه‌ها برای کمرنگ شدن گویش‌ها را نادیده گرفت.

وی درباره گویش‌های زبان فارسی در شیراز گفت: برخی واسونک‌های شیرازی به گویش خاص گفته شده است در عین حال همین واسونک‌ها وقتی در مناطق دیگر استان فارس به کار می‌رود طوری دیگر و با گفتاری متفاوت ادا می‌شود.

واسونک به آواهایی گفته می‌شود که در استان فارس در مجالس نامزدی و عروسی خوانده می‌شود.

صداقت کیش اظهار امیدواری کرد که ورود زبان شناسان جوان و با انگیزه به عرصه تحقیقات و پژوهشگری در کشور و در استان فارس بتواند زمینه باز شناسی بسیاری از گویش‌های منسوخ شده یا در معرض آسیب را فراهم نماید.

در هر حال زبان فارسی به عنوان زبان ادبیات از شیوایی و گیرایی خاصی برخوردار است اما پاسداشت ارزش‌های فرهنگی بومی و محلی و حفظ این میراث گرانسنگ می‌طلبد تا در کنار زبان فارسی به گویش‌های محلی نیز اهمیت بیشتر داده شود و برای احیای آن تلاش دوچندان انجام گیرد.

نمونه هایی از لهجه ابوردی زبان ترکی در استان فارس

پیروان اندیشه پان ایرانیسم، قومیت گرایان افراطی فارس و برخی از مقامات دولتی متأثر از قومیت‌گرایی افراطی فارسی، هنوز و مانند همیشه مشغول به قلم فرسائی در مورد "قوم"، "اقلیت"، "زبان محلی"، "آذری"، "حقوق شهروندی" و اینکه آیا این زبان محلی می‌باید که در "ادبیات فولکلوریک" و "کودکان" بکار برود و یا نرود، آنهم در میان خود و به نیابت از ملت ترک می‌باشند. غافل از آنکه در ایران، مساله ای بنام حقوق شهروندی افراد منسوب به قوم اقلیت آذری و یا کاربرد این زبان محلی در ادبیات فولکلوریک و کودکان و غیره اصلا وجود ندارد. مساله موجود در ایران، "حقوق ملی"، "ملت"، "ترک" و اینکه زبان ترکی، زبان اکثریت مردم ایران، می‌باید که مانند هر زبان سراسری و ملی دیگر در هر کجای دنیا، به زبانی رسمی و

دولتی ارتقاء داده شده و مانند هر زبان رسمی دیگری، در تمام عرصه های دولتی و علمی و هنری و اجتماعی و ... و البته که در عرصه ادبیات فولکلوریک و کودکان و با حمایت های همه جانبه دولتی، به طور بسیار گسترده ای بکار گرفته شود است. مقامات ترک، روشنفکران و جوانان و توده ملت ترک در سراسر ایران، در شمال غرب، در شمال شرق و در جنوب آن، می بایست بدون گوش فرا دادن به پنداربافی های آنارونیک و نخنما شده آذری و قوم و اقلیت و محلی و شهروند و به اقدامات و فعالیت های خود در زمینه مهیا نمودن زمینه های عملی و مادی رسمی و دولتی شدن زبان اکثریت مردم ایران یعنی زبان ملی ترکی بیش از پیش شتاب دهند.

لهجه ابیوردی (بولوردی - ابولوردی) زبان ترکی، لهجه ترکان ابیوردی ساکن در استان فارس است. خاستگاه اصلی ابیوردی ها اطراف شهر ترک دره گز در خراسان (کلات ابیورد) است. لهجه ابیوردی علی رغم سکونت متکلمینش در جنوب ایران، یکی از لهجه های خراسانی زبان ترکی و یا دقیقتر لهجه ای گذری بین لهجه های خراسانی و آذربایجانی زبان ترکی بشمار می آید. (لهجه ترکی رایج در منطقه درگزر خراسان، خود بسیاری از خصوصیات لهجه های آذربایجانی را از خود نشان می دهد و علاوه بر آن، سکونت ابیوردی ها در استان فارس که زبان ترکان ساکن در آنجا از جمله اتحادیه طوائف ترکی قشقائی جزئی از گروه لهجه های آذربایجانی زبان ترکی است، باعث پررنگتر شدن ویژگی های آذربایجانی در این لهجه خراسانی زبان ترکی گردیده است). جمعیت تقریبی ترک های ابیورد در سال ۱۹۵۵ بین ۳۰-۳۵ هزار

تن برآورد شده است. بنابراین تعداد ابیوردیهای امروز- با توجه به جمعیت ایران در سال ۱۹۵۶ که کمتر از ۱۹ میلیون و در سال ۲۰۰۳ بیش از حدود ۶۵،۵ میلیون نفر بوده است- رقمی بین ۱۰۵-۱۲۵ هزار تن می‌باشد.

در باره لهجه ابیوردی زبان ترکی، پرفسور عثمان ندیم تونا مقاله مفصلی در ۳۱ صفحه بنام Ebiverdi: İran'da bir Türk diyalekti (ابیوردی: ایراندا بیر تورک دییالئکتی- ابیوردی: لهجه ای ترکی در ایران) نگاشته است. مقاله مذکور حاوی یک مقدمه مختصر در باره ابیوردی‌ها، بخشی مفصل در باره خصوصیات لهجه ابیوردی زبان ترکی، نمونه هایی چند به لهجه ابیوردی (برای خواندن این نمونه ها به قسمت اول این نوشته مراجعه کنید) و یک لغتنامه می‌باشد. ترجمه ای از خلاصه بخش مربوط به خصوصیات زبانی لهجه ابیوردی این مقاله همراه با اندک اضافاتی، در کتاب "سیری در تاریخ زبان و لهجه های ترکی" (دکتر جواد هئیت) آورده شده است. (در ایران نیز در باره ابیوردی‌ها کتابی بنام "از باورد تا ابیورد فارس" (تالیف مظفر قهرمانی، نشر فرهنگ و هنر شیراز، سال ۱۳۳۵) چاپ شده است).

در زیر نخست ترجمه خلاصه ای از مقدمه مقاله مذکور پروفیسور عثمان ندیم تونا توسط خودم و سپس ترجمه و تلخیص بخش مربوط به خصوصیات زبانی لهجه ابیوردی از این مقاله، انجام شده توسط دکتر هئیت را می‌آورم. تمام توضیحات داخل []، همچنین پانوشتها از من است. در مقابل هر کلمه و یا عبارت و جمله ترکی، در [] نخستین، تلفظ آنرا در لهجه ابیوردی با الفبای لاتین و در [] دوم، تلفظ آن را

در ترکی معیار با هر دو الفبای لاتینی و عربی داده ام، در مواردی که تلفظ کلمه مربوطه در هر دو لهجه ابیوردی و ترکی معیار یکسان بوده است، تنها به ذکر یکی بسنده نموده ام.